

## مطرب مهتابرو

۴



■ آهنگ‌ساز:  
کیخسرو پورناظری  
■ خواننده:  
شهرام ناظری

مطرب مهتابرو نام آلبومی است با صدای شهرام ناظری و آهنگسازی کیخسرو پورناظری. نوازندگی این اثر را «گروه تنبور شمس» بر عهده داشت. تصنیف مهتابرو از جمله درخشان‌ترین تصنیف‌هایی است که نشان از درک «کیخسرو پورناظری» از اشعار مولانا دارد وی به این دلیل که شهرام ناظری به گفته داریوش صفوت صدایی خاص و اساطیری دارد خوانندگی این اثر را به او سپرد.

## آتش در نیستان

۵



■ آهنگ‌ساز:  
جلال ذوالفنون  
■ خواننده:  
شهرام ناظری

آتشی در نیستان نام آلبومی است که بر پایه هم‌نوازی سه‌تار در سال ۱۳۶۷، با صدای شهرام ناظری و سرپرستی و آهنگسازی جلال ذوالفنون اجرا شده است. بر خوررداری از ریتم صحیح، متنی قوی و لحنی سوزان در این آلبوم، باعث شده تا آتشی در نیستان اثری بی‌بدیل باشد. این آلبوم یکی از بهترین نمونه‌ها در دستگاه شور و آواز ابوعطا است.

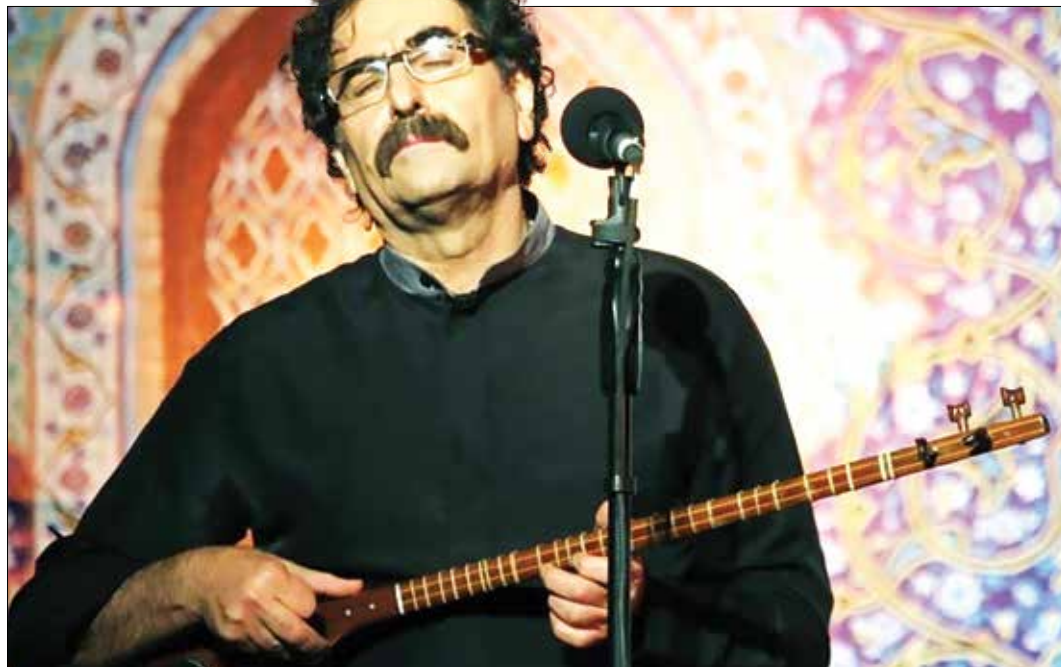
## زمستان

۶



■ آهنگ‌ساز:  
محمدرضا درویشی  
■ خواننده:  
شهرام ناظری

زمستان نام آلبومی موسیقی است با صدای شهرام ناظری و آهنگسازی محمدرضا درویشی که با شعر زمستان اثر مهدی اخوان ثالث در سال ۱۳۶۹ اجرا شده است. این آلبوم یکی از مهمترین اجراهای این شعر است و محمدرضا درویشی این آلبوم را در سال ۱۳۶۹ به شکل ارکسترال آهنگسازی کرده است. ملودی قسمت‌های آوازی این اثر ساخته‌ی شهرام ناظری است.



شناخته می‌شود. شعر این اثر از «شرف‌الدین میرزا محمد مجذوب‌تبریزی» معروف به مجذوب علی‌شاه است. ناظری جوان در این اثر علاوه بر تکنیک‌های صحیح آواز خوانی، لحنی سوزناک دارد و بدون شک نقشی مهم در ماندگاری این اثر.

«باد صبا» هم آلبومی دیگر از این دو هنرمند است که در اوایل دهه ۶۰ منتشر شده است. در این اثر ناظری از اشعار قدمایی چون مولانا، سعدی، حافظ و فخرالدین عراقی بهره برده و حالا بعد از ۴۰ سال، همچنان «سلسله موی دوست حلقه دام بلاست» بر زبان‌ها جاری است.

«شهرام ناظری» درباره این همکاری گفته است: «یکی از دوره‌های خیلی درخشان که چند کار ماندگار به وجود آمد، دوره‌ای بود که با استاد بزرگ، جلال ذوالفنون نزدیک شدیم و یکی از زیباترین دوره‌های زندگی مرا در مجموع رقم می‌زند. استاد جلال ذوالفنون همه چیز را خوب می‌دید و آرام بود. آرامش داشت و اینها خصوصیات خیلی خوب ذاتی او بود. من از سعه صدری که داشت استفاده می‌کردم. آن آرامشی که در وجودش بود را دوست داشتم. در کنار همه اینها یک طنز قوی در وجودش بود که به هر چیزی یا پدیده‌ای با طنز نگاه می‌کرد. هر جا با ذوالفنون بودیم یک جو خیلی زیبا، با طراوت و شادی را به وجود می‌آورد. بعد از گل صدبرگ، با استاد ذوالفنون مترصد فرصت بودیم تا کار دیگری با هم انجام بدهیم؛ ولی به نتیجه نرسیدیم. تا اینکه من روی یکی از شعرهای «مجذوب» این آهنگ را گذاشتم. استاد ذوالفنون وقتی شنید، تحت تأثیر قرار گرفت. آن زمان بود که گفت من بقیه این کار را ادامه می‌دهم.»

«میدیا فرج‌نژاد» چندی پیش درباره‌ی این اثر نوشته است: «یکی از ویژگی‌های «گل صدبرگ» و آثار مشابه‌اش این است که ملودی‌های آنها در ذهن مخاطب ماندگار است. باید بپذیریم که موسیقی گلها از ریتم به مفهوم بعد از انقلاب عاری بود و سازهای ایرانی جایگاه‌شان را در ارکسترنوازی از دست داده بودند. مثلاً اگر موسیقی گلها را بررسی کنید، شاید اثری را پیدا نکنید که دف در آن به کار گرفته شده باشد، اما پس از انقلاب دف جایگاه مهمی در موسیقی ایرانی به دست می‌آورد. ویژگی اول ملودی‌پروری و اهمیت دادن به خط ملودی است. اگر این آلبوم را خوب بشنوید؛ می‌بینید که حتی آوازها هم گردش ملودیک دارند و به گوش مخاطب ایرانی آشناست.»

چهارمضرب قدیمی بیات‌ترک، ساز و آواز «دل من رای تو دارد»، تصنیف «الا یا ایها الساقی» و قطعه ضربی اشاره کرد.

«ناظری» درباره این اثر گفته است: «وقتی امروز به اشعار این اثر مراجعه می‌کنید و روند حرکت شعر را می‌بینید، می‌فهمید که «گل صدبرگ» هم به نوعی دیگر همان مسائل چاووش را بازگو می‌کند. «یادگار دوست» آن دردی را که در دوران جنگ با غم از دست دادن جوانان برانزده ایرانی در دل همه مردم بود را انتقال می‌دهد. شاید در «کاروان شهید» هم همین مسئله وجود داشته باشد. با این توضیح، من مطمئنم هیچ‌کدام از ما دوست نداریم از هم جدا شویم؛ اما اجبار به ما امکان انتخاب دیگری را نداد و چاووش در هم شکست.»

بسیاری معتقدند بخش عمده‌ای از «گل صدبرگ» و موفقیت کم‌نظیرش مرهون حضور و هنر رضا قاسمی است. این مساله‌ای است که ناظری نیز به آن صحنه می‌گذارد و در اظهارنظری دیگر درباره این اثر گفته است: «بیشترین حق را در «گل صدبرگ» منصفانه باید به «رضا قاسمی» داد که در ایجاد، جذابیت و موثر بودن این اثر تلاش فراوان کرد. او انسان اهل قلم و روشنفکری بود که با پشتوانه دانشی که داشت، سه‌تار را طی دو سال، به درجه استادی می‌نواخت. من هم در زمینه ردیف موسیقی و تلفیق شعر و موسیقی، ایشان را راهنمایی می‌کردم. او در «گل صدبرگ» تلفیقی از شعر مولانا و حافظ انجام داد (دلا نزد کسی بنشین) که بر مبنای یکی از گوشه‌های موسیقی سنتی ساخته شد و نشانگر مهارت و دانش والای ایشان بود. مقدمه تند و هیجان‌انگیز او در شروع این کار (که من شعر «چه دانستم که این سودا» را روی آن گذاشتم) کار سورئال، تکان‌دهنده و متفاوتی شد. واقعاً حیف شد که او به فرانسه مهاجرت کرد.»

ناظری خود «گل صدبرگ» را یکی از پرتیراژترین آثار تاریخ موسیقی ایران می‌داند که با همفکری او، ذوالفنون و رضا قاسمی تولید شد و خاطراتی زیبا نه‌تنها برای آنان که برای موسیقی ایران رقم زد.

«آتش در نیستان» دیگر آلبومی بود که با همکاری «ناظری» و «ذوالفنون» منتشر شد. این اثر نیز بر پایه هم‌نوازی سه‌تار در سال ۱۳۶۷ اجرا شد و «ذوالفنون» بار دیگر دغدغه‌های خود درباره این ساز را نشان داد. این اثر هنوز بعد از گذشت بیش از سه دهه از زمان انتظارش، به عنوان یکی از برترین و پرمخاطب‌ترین آثار موسیقی سنتی



ناظری خود «گل صدبرگ» را یکی از پرتیراژترین آثار تاریخ موسیقی ایران می‌داند که با همفکری او، ذوالفنون و رضا قاسمی تولید شد و خاطراتی زیبا نه‌تنها برای آنان که برای موسیقی ایران رقم زد